

پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال پانزدهم شماره بیست و هشتم بهار و تابستان ۹۶ (صص ۱۵۲-۱۴۱)

نادانی، مقوله‌ای بدون تاریخ

(واکاوی شعر «هبل» سروده سید قطب بر اساس نشانه‌شناسی)

۲-عباس کریمی

۱-علی اکبر محسنی

چکیده

بدون شک از مهم‌ترین رسالت‌های ادبیات در گذر تاریخ، بیدارسازی وجدان به خواب رفته مردم بوده است. ادیب همچون تصویرگری ماهر، بازنمودی واقعی از جامعه را نشان می‌دهد. آنچه که در دانش نشانه‌شناسی مهم است چیدمان واژه‌ها و بازتاب آن در آثار ادبی است. گاهی مخاطب با دقت نظر در کُنه هر متنی متوجه نوعی ابهام می‌شود. راه برون‌رفت، خوانش واژها و چیدمان آنها در ساختار این دانش است. پژوهش پیش‌رو سعی دارد، سوژه‌ای از ادبیات معاصر مصر را با عنوان «هبل» بازخوانی کند. هدف بازیابی نشانه‌های زبانی است که با استمداد از آنها می‌توان فضای جامعه را بازیافت. واکاوی‌های زبان‌شناختی این سروده مملو از حقیقت‌های ناگفته‌ای است که می‌توان از آنها به‌عنوان سندهای غیر قابل انکار تاریخی یاد کرد. داده‌های زبان‌شناختی، خبر از شتاب و آگرایی مردم به سوی گمراهی دارد. شاعر با بهره‌وری از فعل‌ها، زمان و وجهیت، زاویه دید خود را نسبت به موضوع بیان داشته است. ساختار جمله‌ها، به گونه‌ای است که هرگاه درباره تداوم اندیشه‌های ضلالت‌بار موروثی سخن گفته از جمله‌های اسمیه و هر وقت از رفتارهای جهل‌گرایانه نوظهور سخن گفته از جمله‌های فعلیه استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: سید قطب؛ هبل؛ نشانه‌شناسی؛ نادانی

۱-مقدمه

آفرینش‌های ادبی تابعی از محیط خود هستند. لذا با کنکاش پیرامون هر اثر می‌توان به نتایج

Email:mohseni031.at.razi.ac.ir

Email:karimiabass90@gmail.co

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۹

۱- دانشیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۲

غیر ادبی نیز در ساختار نشانه‌های دست یافت. از این رو می‌توان به جرأت برخی از آنها را نوعی رسالت اجتماعی به حساب آورد. رسالتی که پیام آن همواره افزایش سطح آگاهی‌ها و دانش مردم در جامعه تمرکز داشته است. از سویی اساس ادیان آسمانی از جمله اسلام به‌عنوان دین خاتم نیز با تمرکز بر واژه نخستین آن یعنی «إقرأ»، دانش‌افزایی و دانایی بوده است. «بخوان» گُل واژه‌ای برای دانایی و دعوتی برای صف‌آرایی در مقابل نادانی. هم‌آیی این واژه با «خَلَقَ» در اوکین آیه وحی، نشان از میزان اهمیت آن در اسلام است. بنابراین در تعامل بین دین و ادبیات می‌توان اذعان کرد که همواره محور دیدگاه هر دو، انسان و جامعه بوده است. بر اساس این تعامل، ادبیات معاصر نیز متکی بر هوش، نکته‌سنجی و با نگاهی اصلاحی همواره در پی تغییر بوده است. سید قطب به‌عنوان ادیبی تیزبین در جامعه معاصر مصر با رویکردی دین‌گرا، نگاهی اصلاح‌گر داشته است. عملکرد وی به‌گونه‌ای بوده که می‌توان بر حساسیت اجتماعی او بیش از مسائل دینی صحه گذاشت. آگاه‌سازی توده مردم نزد او بیش از هر چیز دیگر مهم بوده است. از این رو می‌توان وی را شاعری جامعه‌محور و سپس دین‌مداری فرانگر دانست. نگاهش به جامعه و ساختار آن، نگاهی ویژه و آمیزه‌ای از شناخت جامعه مبتنی بر پیشینه تاریخی و از سویی هم مبتنی بر دین‌باوری است. وی در سروده‌ای به نام «هبل»، سعی داشته در قالب واژگان، ساختار اعتراضی خود را نشان دهد. تصویرسازی او در قالب واژگان، ذهن مخاطب را به جامعه صدر اسلام و آستانه بعثت پیامبر برده است که سخت‌گرفتار نادانی و انحطاط بوده، به نظر، جامعه معاصر با شاعر هم با عقب‌گردی ایدئولوژیک، گرفتار سقوطی شده که قیاس آن با صدر اسلام مقایسه‌ای بیهوده نخواهد بود.

شعر «هبل» سرشار از نشانه‌هایی است که خوانشی گویا از ذهن شاعر، زمان و محیط سرایش در سوژه مورد بحث به مخاطب ارائه کرده است. کاربرد معنادار زمان فعل‌ها، تعداد و وجهیت آنها، گزینش ساختار اسمیه و یا فعلیه بودن جمله‌ها، استعاره و واج‌آوایی مناسب و پدیده تکرار، نه تنها خبر از رویکرد نالایق جامعه و پافشاری ایشان در تقلید ناشایست از گذشتگان دارد بلکه مبین اندیشه‌ای است که شاعر ساحت خود و هرآنکه را پایبند به موازین راستین اسلام بوده است از آنها بری دانسته است. نکته‌سنجی شاعر بیشتر آنجا مشخص می‌شود که وی برای پیشبرد اندیشه‌اش از نشانه‌ای ویژه استفاده کرده است که نگاه و اندیشه مخاطب را می‌رباید. کاربرد نشانه‌ای آشنا به نام نماد و تکرار چندین‌بار آن نوعی برجسته‌سازی در میان انبوه نشانه‌هاست. «هبل»، دست‌افزاری کهن، اشاره‌ای ملموس و اعتراضی مسالمت‌آمیز به وضعیت جامعه است که در خلال آن اندیشه

تاریخی قبل از اسلام را هم بازآفرینی کرده است. قیاسی که ذهن مخاطب وادار به‌نوعی بازانندیشی و همزادپنداری بین دو جامعه می‌کند.

۱-۱- بیان مساله و سؤالات تحقیق

در راستای بیان رابطه ناگسستنی ادبیات با محیط پیرامونی و میزان تأثیرپذیری آن، این جستار بر آن است به این پرسش پاسخ گو باشد که واژه‌ها در فرآیند یک اثر ادبی چه میزان متأثر از محیط بوده و شاعر در راستای پیشبرد اهداف خود چگونه از واژه‌ها، فعل‌ها و فرآیندهای زبانی بهره جسته است؟ برای پاسخ به این پرسش سعی شده از راهبرد دانش نشانه‌شناسی استفاده شود و برخی از زوایای شعر «هبل» در این قالب بررسی شود تا در مسیر نیل به مقصود مفید فایده افتد.

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

نظر به اهمیت رابطه متقابل ادبیات و محیط در راستای افشای زوایای پنهان تاریخ هر ملت و در پرتو این رابطه دوسویه، این پژوهش بر آن است که ضمن ارائه چارچوبی مختصر از نشانه‌شناسی، شعر مورد بحث را در این قالب مورد واکاوی قرار داده تا در لابه‌لای نشانه‌های واژگانی انبوه آن عناصر برجسته آن مورد مذاقه بیشتری قرار گیرد.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

شیوه کاربردی در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر رویکرد دانش نشانه‌شناسی و با تکیه بر واژه‌گزینی است. شاعر در این سوژه با پدیده برجسته‌سازی از طریق تکرار واژه «هبل»، به‌عنوان محور نشانه‌های نظم مذکور، سعی در انتقال پیام خود دارد.

۱-۴- پیشینه تحقیق

اصولاً در حوزه نشانه‌شناسی و نیز بررسی نماد در حوزه ادبیات پژوهش‌های فراوانی صورت پذیرفته که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران: زمستان ۱۳۹۰، دوره ۳، شماره ۳؛ صص ۱۵۷ - ۱۸۰؛ ابراهیم اناری بزجلویی و سمیرا فراهانی. نشانه‌شناسی سروده کلمات سبارتاکوس الأخریره؛ دوفصلنامه علمی پژوهشی نقد ادب معاصر عربی سال سوم 6/پیاپی 4 ایوکی، علی نجفی و زهرا وکیلی (۱۳۹۲). تحلیل نمادهای شعر اعتراض در ادبیات معاصر عراق (براساس اشعار حسن السنید)؛ مجله علمی - پژوهشی انجمن

ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۳ هـ ش، صص ۸۷-۶۱، حامد صدقی مرتضی زارع برمی. اما لازم به توضیح است که راجع به شعر مورد بحث هیچ‌گونه پژوهشی صورت نگرفته است.

۲- نشانه‌شناسی: نشانه‌شناسی تاریخی به قدمت نوشتار دارد. هرچند چالرز پیرس اندکی پیش از فردینان دوسوسور به سراغ مطالعه نشانه‌ها رفت و الگویی سه وجهی برای معرفی فرآیند دلالت ارائه داد اما از سوسور به‌عنوان پدر نشانه‌شناسی معاصر نام برده‌اند. وی اولین کسی است که این نام را بر آن نهاد و الگویی ویژه مدون نمود. دامنه این دانش فراگیر است و می‌توان از آن به‌عنوان دانشی بین رشته‌ای نام برد. (صفوی، ۱۳۹۳: ۲۰-۲۸) ادبیات، خصوصاً شعر به‌عنوان گونه‌ای شگرف، یکی از دامنه‌های پردازش این دانش است. هنر دانش نشانه‌شناسی می‌تواند در بازآفرینی اندیشه‌های شاعر، مخاطب را همراهی و راهبری نماید. نشانه‌شناسی به مطالعه نشانه‌ها و چگونگی کارکرد آنها می‌پردازد و می‌توان از آن تحت عنوان دکترین نشانه‌ها یاد کرد. (اکو، ۱۳۹۳: ۶). نشانه‌ها در آثار ادبی دلالت معنایی خاص به خود را دارند زیرا در شرایط ویژه اجتماعی و فرهنگی و با هدفی نوگرا مورد استفاده قرار گرفته و هرگز مبتنی بر تأویلی تک‌محور نیستند. در واقع واژه، اشاره‌ای انگیزشی است که مدلولی را در ذهن تحریک می‌کند و برای این مدلول ذهنی آن در جهان خارج مابه‌ازای خارجی، هم وجود دارد، این رویکرد، دلالت نامیده می‌شود. (الغذامی، ۲۰۰۶: ۱۷) در این مجال برآنیم که با تکیه بر اصول نشانه‌شناسی به دال و مدلول‌های پنهان ورای واژه‌ها برسیم.

قطعه شعر «هبل»، سرشار از نشانه‌هایی است که حاکی از جوشش و عمق تجربه شاعر از جامعه خود است، تجربه‌ای که بعد ظاهری آن به لحاظ ماهیت، ماندگار و پایدار است و ویژگی‌های فرامکانی و زمانی را در خود داراست. این شیوه همواره در آفرینش تصویر و معانی خیال‌انگیز، نقش حیاتی و تأثیرگذار داشته‌است.

۲-۱- کاربرد نماد، برجسته‌سازی در ساختار نشانه‌ها: اصولاً نظام واژگان همچون آینه‌ای برای بازنمایی درون و بیرون آدمی هستند. گاهی ساختار سخن روشن و گاه پوشیده است، در این میان ادبا، به فراخور شرایط محیطی همواره از نماد در جهت وصول به هدف خود بهره برده‌اند. نماد اصطلاحاً عبارت است از هر علامت، اشاره، کلمه، ترکیب و عبارتی که بر معنی و مفهومی ورای آنچه ظاهر آن می‌نماید، دلالت کند (چدیوک، ۱۳۷۵: ۹). اصولاً هدف از کاربرد نماد در سخن، بیش از آنکه معنای اصلی آن باشد، معنای ثانویه است که ادیب بنابر دلایل و یا اهداف ویژه‌ای معنای مورد نظرش را با استفاده از نماد، به شکل تلویحی استفاده کرده است.

در مورد رابطه‌ی نماد در شعر معاصر لازم به ذکر است که از جمله بارزترین مشخصه‌های ظاهری و هنری نماد در شعر نو، فراوانی کاربرد آن در راستای بیان مقصود است. امروزه استفاده‌ی شاعر از نماد مسأله‌ی شگفتی نیست زیرا از دیرباز بین نماد و شعر همواره رابطه‌ای عمیق بوده که مجال این کاربرد را به شاعر داده است، و این نشان از بصیرت و آگاهی طبیعت شعر و تعبیر شعری است (اسماعیل، ۱۹۷۴: ۱۹۵). راهبرد نشانه‌های موجود در شعر مورد بحث و واکاوی آن به‌گونه‌ای است که در میان انبوه نشانه‌های شعری، واژه «هبل» به دلیل تکرار، پارامتری برجسته محسوب می‌شود. برجسته‌سازی شاعر، هدفمند است و اساسی باورمند و ایدئولوژیک دارد. هدفمند از آن جهت که محور اندیشه‌اش دغدغه‌های اجتماعی است و باورمند از آن روی که قصد او آگاهی و سپس اصلاح آنهاست اما اگر به دنبال دلیلی برای این شکل کاربرد از سوی شاعر باشیم، توجیهی مناسب‌تر از گریز از ساخت تک معنایی و نشانی از فضای بسته سیاسی در جامعه‌ی شاعر، پیدا نخواهیم کرد. پس نمادگرایی، برجسته‌ترین مصداق تأثر از فضای استبدادی است (زارع، ۱۳۸۵: ۳۵۴).

۲-۲- «هبل» نشانه‌ای گویا برای اعتراض: پیشینه‌ی شعر اعتراض در ادبیات معاصر زیاد نیست. در تعریف آن به زبان ساده می‌توان چنین نگاهت که گونه‌ای شعر سیاسی و اجتماعی است که کانون آن، جامعه، مردم و به نوعی دادخواهی واژه‌ها در برابر کاستی‌های جامعه است. کمترین هدف آن عدالت‌خواهی اجتماعی و رفع تبعیض‌هاست. محور اعتراض شاعر در این شعر بر مدار ناآگاهی اجتماعی و دور شدن از آرمان‌های راستین دین اسلام است. در این مجال هم بر حُکام و هم بر مردم شوریده است. پیداست که یکی از ویژگی‌های «شعر اعتراض»، اجتماعی بودن و بیگانه‌نبودن با سیاست است. چون از آن دسته از ناهنجاری‌های اجتماعی سخن می‌گوید که در وضع سیاسی جامعه ریشه دارد و به همین مناسبت، اهل سیاست و ریاست غالباً، یکی از آماج‌های این انتقادات بوده‌اند (مهدی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۷). در چنین شرایطی است که سبب قطب راه نجات را دانایی دانسته و تکلیف را با تأسی از سخن امام علی (ع)، خودشناسی تعیین کرده و از این روی بر اساس پس‌زمینه‌ی اندیشه‌ی خود، جامعه را به دو نوع جاهلی و اسلامی تقسیم می‌کند؛ اساس این شعر هم از این دیدگاه سرچشمه گرفته و مهر تأییدی بر آن است. وی در این زمینه می‌گوید: امروز در جاهلیتی به سر می‌بریم که هنگام ظهور اسلام وجود داشت و بلکه تاریک‌تر از آن. تمامی آنچه در اطراف ما است، جاهلی است. وظیفه ما این است که اولاً تحوّل در درون خود به وجود آوریم تا بر اساس آن بتوانیم جامعه را دگرگون کنیم. اسلام بیش از دو جامعه نمی‌شناسد. جامعه‌ی جاهلی و جامعه‌ی اسلامی.

جامعه اسلامی جامعه‌ای است که در تمامی ابعاد عقیده و عبادت، شریعت و احکام، سلوک و اخلاق اسلامی در آن تحقق یافته است و جامعه جاهلی جامعه‌ای است که به اسلام عمل نمی‌کند.

۳- متن کامل شعر: هُبَل... هُبَل رمز السخافة و الدّجل / من بعد ما اندثرت على أیدی الأباة / عادت إلینا اليوم فی نوب الطّغاة / تنشئُ البخور تُحرّفه أساطیرُ التّفاق / من قُتِدت بأسر فی قید الحنا و الإرتزاق / وثنٌ یقودُ جموعهم... یا للخبلی / هُبَل... هُبَل / رمزُ السّخافة و الجهالة و الدّجل / لاتسألنّ یا صاحبی تلك الجموع / لیمن التّعبد و المتویة و الحُضوع / دعها فما هی غیر خرفان... القطیع / معبودها صنمٌ یراه... العم سام / و تکفل الدلائر کى یضفی علیه الإحترام / و سعی القطیع غباوة... باللبطل / هُبَل... هُبَل / رمزُ الخيانة و الجهالة و السخافة و الدّجل / هُتافَةُ التّهريج ما ملّوا التّناء / زعموا له ما لیس... عند الأنبیاء / ملکٌ تجلبب بالظّیاء و جاء من کبید السّماء / هو فاتحٌ... هو عبقریٌ ملهمٌ / هو مُرسلٌ... هو عالمٌ و معلّمٌ / و من الجهالة ما قُتل / هُبَل... هُبَل / رمز الخيانة و العمالة و الدّجل / صیغت له الأجماد زائفةٌ فصدّقها العیبی / واستنكرت الكذب الصّراً وردّه الحُرّ الأبیّ / لكنّما الأحرارُ فی هذا الزمانِ هم القلیل / فلیدخلوا السّجنَ الرّهیب و یصبروا الصّبرَ الجمیل / ولیشهدوا أفسی رِواية... فلیکلنّ طاغیةً نهایةً / ولکلنّ مخلوقٌ أجل... هُبَل... هُبَل / هُبَل... هُبَل. (سیدقطب، ۲۰۰۷: ۲۷۹)

۴- تحلیل شعر

۴-۱- عامل زمان: عامل زمان در جمله، نشان‌دهنده میزان فاصله گوینده یا نویسنده با موضوع است. می‌دانیم که میزان فاصله گوینده با واقعیت، زاویه دید و ذهنیت وی را نشان می‌دهد. از این رو عامل زمان، متغیر مهمی در میزان واقع‌گرایی متن و شیوه نگاه مؤلف به امور به شمار می‌رود. (فتوحی؛ ۱۳۹۲: ۲۹۱). در چهار بند این شعر مجموعاً بیست و یک فعل استفاده شده است:



تعداد فعل‌های ماضی بیشتر از بقیه است، بسامد بالای آن، نشان از زاویه دید شاعر به مسئله نادانی است، شاعر با کاربرد فعل ماضی، نه تنها ساحت خود را از نادانی حاکم بر جامعه، بری دانسته و موضع مخالف خود را نسبت به روند و رویکرد جامعه روشن کرده بلکه بر تداوم مسئله خانمان

برانداز «نادانی» تأکید داشته و به نوعی ذهن مخاطب را در موقعیتی نامطمئن نسبت به موضوع قرار داده است. زیرا افعال ماضی تنها بیانگر دور بودن فضای ذهن وی نسبت به اتفاقات جامعه است.

۴-۲- وجوه کاربردی فعل: از طریق بررسی وجهیت فعل، میزان پای‌بندی متن به عقاید و

ایدئولوژی‌ها را می‌توان سنجید. ذهنیت، تعهدات و دیدگاه‌های مؤلف در عناصر وجه‌ساز پوشیده و پنهان عمل می‌کند. ... بنابراین وجهیت تعامل میان گوینده و مخاطب را افزایش می‌دهد و زمینه نوعی اعتماد و همدلی یا تعارض را در گفتگو فراهم می‌کند. (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۹۴). فعل‌های متن، به جز سه فعل (فلیدخلوا؛ لیشهدوا؛ دعها) که وجه التزامی دارند، همگی، خبری هستند، این نشان از میزان اعتبار گفتمان‌های شاعر در متن است زیرا خود، شاهد شرایط نابسامان جامعه بوده است و آنقدر به وقایع اطمینان دارد که موضوع، نقش گزارش‌گونه در متن پیدا کرده است. زمان فعل‌ها هر چند گذشته استفاده شده اما فاصله‌ای بین آنها با شاعر وجود ندارد. به نظر، قصد شاعر خبر دادن از اموری است که آنرا شایسته جامعه ندانسته بنابراین فضای جمله‌ها را با قالب خبری و با زمان ماضی به گذشته‌های دور و در ساختار کهن الگویی آشنا برده است. الگویی که روزگاری نماد پرستش و روزگاری بعد از آن نماد نادانی شد. از این طریق شاعر به گونه‌ای همزاد پنداری تاریخی جامعه خود را با الگوی سنتی جامعه دینی پیش از بعثت نشان داده است. وجه التزامی سه فعل فوق نشان می‌دهد جهت‌گیری نسبت به اجرای یک عمل از نوع اجبار و فرمان است. این فعل‌های دستوری همان بایدهای تحمیلی جامعه سیاسی برای "الأحرار" است. أحرار همان آزاداندیشان در اندیشه شاعرند که تعدادشان در مقابل هبل‌های زمان، اندک است و باید پذیرای سرنوشت محتوم خود باشند. جایگاه آزاداندیشان همواره زندان و حصر بوده و نهایتاً در این شرایط بایستی دیگر برای آنان، صبر است.

۴-۳- تعداد جمله‌های مثبت و منفی: جمله بلندترین واحد سازمانی در نحو است و اگر هر

ساخت نحوی شکلی از یک واحد اندیشه باشد؛ قیاس بین تعداد جمله‌ها با معنای مثبت و منفی سرنخی از پس‌زمینه ذهن نویسنده به مخاطب ارائه می‌کند. نمونه‌ای از عبارت‌های منفی و مثبت: هُبَل؛ السخافه؛ الدجل؛ الخنا؛ وثن، خرفان القطیع؛ غباوة؛ هتأفة التهریح؛ الغبی؛ الکذب الصراح؛ طاغیة؛ العُمالة؛ السّجن الرّهیب / ملک؛ الضیاء؛ الأباء؛ فاتح؛ عبقری؛ عالم؛ معلّم؛ الحرّ؛ الأبی؛ الأحرار؛ الصبر الجمیل.

بسامد این مقایسه، تصوّر دو قطب مخالف در جامعه شاعر است. قطب کسانی که در مسیر حقیقی اسلام طی طریق کرده‌اند، پرچم‌دار این گروه در گذشته پیامبر بوده است که از ایشان به عالم و معلّم و ضیاء نام برده است و در دنیای امروز به راهروان ایشان الأحرار اطلاق کرده است. قطب مخالف نادانی است که در طلیعه آن از هُبل به‌عنوان کهن نمادی تاریخی نام برده است پشت سر این نماد، هُبل‌های امروزه قرار دارند کسانی که در قالب واژه‌هایی چون الطغاة؛ أساطیر النفاق؛ مَن قیدت بالأسر و ... نام برده شده‌اند. لازم به ذکر است کثرت تعداد واژه‌های منفی در مقایسه با واژه‌های مثبت نشان از بسط و گسترش فضای ناخوشایند نزد شاعر است و شاید نمودی از ناامیدی شاعر از تغییر فضای موجود باشد. دیدگاه سید قطب در این شعر برگرفته از ایدئولوژی غالب ذهنی اوست. وی معتقد بود: امروز در جاهلیتی به سر می‌بریم که هنگام ظهور اسلام وجود داشت. بلکه تاریخ تر از آن، تمامی آنچه در اطراف ما است جاهلی است. (جوادی، ۱۳۵۱: ۱۲۰) بازگشت به صدر اسلام و تشکیل حکومت بر اساس اصول اسلام نبوی و بازسازی آرمان جامعه سیاسی در زمره اولویت‌های اندیشه سید قطب بوده که در واژه‌های فوق کاملاً هویدا است. نکته قابل توجه آنکه طه حسین هم پیش از سید قطب دیدگاهی همسو با وی را مطرح کرده است. وی با طرح این سؤال عقیده خود را مطرح کرده است: «آیا پیروزی اسلام بر تمام جوانب زندگی جاهلی، به شکل حقیقی صورت گرفته است؟ آیا اسلام توانسته است ساختار فکری عرب را به ساختاری عقل‌گرای مبتنی بر اسلام ناب تغییر دهد؟ این مسئله‌ای که در آن شک دارم...» (طه حسین، ۱۹۸۲: ۹).

۴-۴- فرآیندهای کاربردی: فرآیند یعنی نویسنده در تعامل با مخاطبان خود چگونه و طی چه فرآیندی ذهنی منظور پیام مورد نظر را از پاره‌گفتارها استنباط و فهم می‌کند و سپس چگونه پیام مورد نظر خود را در پاسخ، سازمان‌دهی و آنگاه در قالب صورت‌های زبانی تولید و برای مخاطب می‌فرستد. (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۲۴). در این متن شاعر از هر دو نوع جمله اسمیه و فعلیه استفاده کرد است اما مقایسه تعداد این دو نوع فرآیند و نیز مکان‌هایی که برای کاربرد آنها استفاده کرده است، قابل توجه است.

۴-۴-۱- جمله‌های اسمیه: تعداد جمله‌های اسمیه در این شعر، پانزده جمله است برخی از این نمونه‌ها عبارتند از: هُبل رمز السخافه و الدّجل؛ وثنٌ یَقودُ جموعَهم...؛ رمز السخافه و الجهالة و الدّجل؛ لِمَن التَّعبُدُ و المَثوبه و الخُصُوعُ

۴-۲- جمله‌های فعلیه: تعداد جمله‌های فعلیه در متن، دوازده جمله است. جمله‌های فعلیه بر حدوث دلالت دارند: عادت إلینا الیوم فی ثوب الطغاة؛ تنشقُّ البُحورُ تُحرقه أساطیر النِّفاق؛ و تکفَل الدُّلارُ کی یُضفی علیه الإحترام؛ و سعی القطیعُ غباوَةً ... کاملاً مشهود است که شاعر در مواردی که قصد دارد صفات جامعه خود را در حیطه خروج از موازین اسلامی نشان دهد از جمله‌های اسمیه بهره جسته که به مخاطب القا کند رویکرد جامعه در صفات مذکور دارای ثبوت است و مردم بر شیوه گمراهی و نادانی خود استمرار دارند. اما در کاربرد مفاهیم ذهنی که در نگاه شاعر دارای تجدّد، نو شدن در لحظه و دارای مشخصه حدوث هستند، از جمله فعلیه بهره برده است.

۴-۵- واج آوایی: بخش عمده‌ای از سرشت یک سبک را نوع گزینش واژه‌ها می‌سازد. واژه‌ها ایستا و منجمد نیستند. بلکه جاندار و پویانند، تاریخ و زندگی‌نامه دارند، حتی شخصیت و شناسنامه و بار عاطفی و فرهنگی دارند، برخی ثابت و انعطاف‌پذیرند و برخی در اثر فشار بافت‌های مختلف تغییر شکل و معنا می‌دهند و جدال و انگیزشی مداوم برای تخیل نویسنده ایجاد می‌کنند. (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۴۹). شاعر هر جا از نادانی و پیامدهای آن سخن گفته است از واج بلند «الف» یا «او» و نیز علامت تشدید استفاده کرده است مانند: السخافه، الطغاة، قید الخنا و الإرتزاق، المثوبه، التَّعبَد، الخضوع.

واج‌های بلند در خوانش زبان‌شناسانه واژه، بر اندوه و سنگینی فضای سرایش متن دلالت دارد. (مشتاق‌مهر؛ ۱۳۹۵: ۱۹۷) کاربرد تشدید نه تنها نشان از تأکید شاعر بر موضوع دارد بلکه به نوعی حاوی تصویری خشم‌آلود است، سبّد قطب در توصیف ساختار جهالت‌گونه سرزمینش سخت اندوهگین و از این بابت منتقدی جسور است.

۴-۶- استعاره: استعاره از جمله صنایع ادبی است که کارکردهای متفاوتی در زمینه لفظ و معنا دارد، این صنعت نه تنها طراوت و شادابی و سایه خیال بر واژه‌ها می‌گستراند بلکه در همراه کردن مخاطب با تجربه عینی که خود شاهد آن بوده بسیار مؤثر است. یکی از کارکردهای استعاره، برانگیختن مخاطبان است، به این معنی که توجه شنونده را به موضوع جلب می‌کند، باعث شور و هیجان و انگیزه در شخص می‌شود، او را به پذیرش عقیده و یا انجام عملی یا به واکنش درباره چیزی وامی‌دارد. (فتوحی: ۳۳۹). استعاره تشبیهی است که تنها یکی از طرفین آن ذکر شده پس از ادعای همانندی موجود در تشبیه یا را فراتر نهاده و ادعای یگانگی و اتحاد را مطرح می‌کند. از

این‌رو در مطالعات ادبی، استعاره را رکن اساسی خلاقیت و نمود ویژه فردیت هنری مؤلف می‌شمارند. ... هریک از انواع استعاره، زاویه دید شاعر و ذهنیت وی را در بیان رابطه اشیا نشان می‌دهد. (همان: ۳۱۴)

عادت إلینا الیوم فی ثوب الطغاة: استعاره مکنیه / تشقُّ (هبل) البخور: استعاره مکنیه / تُحرقه أساطیر النفاق: استعاره مکنیه / و تکفَل الدُّلارُ کی یُضفی علیه الإحترام: استعاره مکنیه / سعی القطیعُ غباوةً: استعاره مکنیه.

ابهام سخن در استعاره مکنیه بیشتر از مصرحه است. سازنده این نوع استعاره درون‌گراتر از سازنده نوع مصرحه است و با امتزاج پدیده‌ها در هیأت اشیا، دخل و تصرف بیشتری می‌کند. (همان: ۳۱۷). مؤلفه‌هایی که از دید شاعر باعث گمراهی و نادانی جامعه شده‌اند مثل «دلار، هبل، القطیع، أساطیر النفاق»، آنچنان در دلالت بر نادانی مؤثرند که کالبدی خیال‌انگیز از افعال انسانی بر آنها پوشانده است تا بدین طریق یگانگی و اتحاد بین طرفین استعاره، احساس شود. به‌عنوان نمونه در عبارت «تکفَل الدُّلارُ»؛ شاعر با شخصیت‌بخشی و جان‌بخشی به دلار، قصد دارد صفتی انسانی را به پدیده‌ای غیر انسانی نسبت دهد تا به‌نوعی به نقش پُررنگ پول در جامعه و نقش‌آفرینی آن در پیشبرد اهداف غیر اسلامی اشاره کند. این شکل کاربرد می‌تواند نشانی از رنگ و بوی ادبیات غنایی در این سروده باشد زیرا شاعر از طریق تشبیه یا استعاره شخص، متعلقات و اجزای بدن او را به عناصر مختلف پیوند می‌دهد. (مشتاق‌مهر؛ ۱۳۹۵: ۱۹۲) در حقیقت، شاعر به کمک نیروی تخیل، مرز میان انسان و اشیا، مادی و مجرد، زنده و بی‌جان را در هم شکسته، یگانگی و اتحاد را میان آنان برقرار می‌نماید و بر امور مجرد و معنوی، لباس محسوس می‌پوشاند، همان‌گونه که اجسام را در کالبد یک موجود زنده ظاهر می‌سازد. وی در این حالت یگانگی به همه این پدیده‌ها حس و شخصیت می‌بخشد تا بدین سان روح و حیات انسانی به خود گیرد. (الصائغ، ۱۹۸۷: ۴۱۸).

۴-۷- تکرار: از جمله مهم‌ترین ملاحظات هر ادیب، گزینش عنوان برای کار ادبی‌اش است. پژوهش‌گر نیز با تمرکز بر عنوان اثر، می‌تواند به اطلاعات ارزشمندی دست یابد. عنوانی که سید قطب برای شعرش برگزیده از این قاعده مستثنی نیست. نکته آنکه تکرار چندین باره عنوان، در متن نیز حاوی پیام‌هایی برای مخاطب است. وی با تکرار واژه هبل، قصد داشته ذهن مخاطب را به همراه خود تا سرانجام مقصودش بکشاند. مجموعاً چهارده بار واژه «هبل»، در شعر بیان شده است. بسامد این تکرار میزان پافشاری وی نسبت به الگوی گزینشی جامعه و مردم است و در این رویکرد

آگاهانه از عنصر برجستگی بهره برده است. زیرا تکرار حاوی تأکید و برجسته‌سازی برای مخاطب است. بنابر ایدئولوژی وی، مردم از دین حقیقی پیامبرشان دور شده و راه را به خطا، برگزیده‌اند. هر بار این تکرار را با اضافه کردن قیدی جدید، مؤکدتر از گذشته اعتراضش را بیان کرده است

۵. نتیجه

۱- گزینش واژه هُبل برای عنوان شعر و تکرار چندین‌باره آن در بیت اول هر مقطع، حاکی از تأکید شاعر بر روند اشتباه جامعه در مسیر خود است زیرا تکرار، بهترین وسیله برای القای عقیده یا فکر است. ۲- غالب فعل‌ها ماضی و شکل خبری دارند تا شاعر بدین وسیله از کارهایی خبر دهد که شایسته جامعه نیست. ۳- وجوه کاربردی غالب فعلها خبری هستند. این کاربرد در زبان‌شناسی حکایت از آن دارد که راوی نسبت به وقایع اطمینان کامل دارد از این‌رو سخن ساختاری گزارش‌گونه دارد که مجال تکذیب آن وجود ندارد. ۴- استعاره‌ها همه مکینه‌اند زیرا شاعر تلاش کرده مشبه‌به برای مخاطب مبهم باشد و با شخصیت‌بخشی به مشبه‌ها، یگانگی و شخصیت می‌بخشد تا بدین سان روح و حیات انسانی به خود گیرد. ۵- گزینش شکل و نوع جمله با دقت و ذکاوت شاعر همراه است زیرا هر جا سخن از ثبوت یک فعل یا صفت است از جمله‌های اسمیه و هر گاه خبر از استمرار است از جمله‌های فعلیه استفاده شده است. ۶- واج‌آوایی در گزینش واژه‌ها هدفمند است زیرا غالباً مصوت‌ها بلند هستند و این نشان از اندوه شاعر و فضای سرد و سنگین جامعه دارد. شاعر در تصویرپردازی جامعه در مجموع هنرمندی چیره‌دست و تصویرگری ماهر است. ۷- شاعر از پدیده تکرار برای این هدف بهره جسته که هم بر انتخاب اشتباه مسیر توسط مردم اشاره کرده باشد و هم با آن کلامش را مؤکد کرده باشد و از این منظر نگاه مخاطب را هم جلب کرده باشد.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آفاگل‌زاده، فردوس، فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، تهران: انتشارات علمی، چاپ اول. ۱۳۹۲ش.
- ۳- اکو، امبرتو، نشانه‌شناسی، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: انتشارات ثالث، چاپ سوم ۱۳۹۳ش.
- ۴- چدویک، چارلز، سمبولیسم، ترجمه مهدی سبحانی، تهران: نشر مرکز. ۱۳۷۵ش.

- ۵- جوادی یگانه، محمدرضا و کشفی سیدعلی، نظام نشانه‌ها در پوشش، مجله کتاب زنان، ش ۳۸، صص ۶۲-۸۷، ۱۳۸۶ش.
- ۶- سید قطب، الأعمال الشعریه الکامله، دراسه فی أشعار سید قطب تقدیم حسن حنفی، دمشق: مرکز الناقد الثقافی، ۲۰۰۷م.
- ۷- زارع، غلامعلی، سیر تحول درونمایه‌های اجتماعی در شعر معاصر ایران، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۵ش.
- ۸- صفوی، کوروش، از زبان‌شناسی به ادبیات (۱ و ۲)، تهران: سوره مهر، چاپ سوم، ۱۳۹۰ش.
- ۹- طه حسین، من تاریخ الأدب العرب، الطبعه الرابعه، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۲م.
- ۱۰- عمیری، ربیع بن هادی، مطاعن سید قطب، فی أصحاب رسول الله، ۱۹۹۷م.
- ۱۱- الغدّامی، عبدالله محمد، تشریح النص، المغرب: المركز الثقافی العربی (۲۰۰۶م).
- ۱۲- الصائغ، عبدالله، الصوره الفنیه معیاراً نقدياً (منحني تطبیقی علی شعر الأعشى الأكبر)، بغداد: دار الشئون الثقافیّه، ۱۹۸۷م.
- ۱۳- فتوحی، محمود، سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۹۲ش.
- ۱۴- مشتاق‌مهر، رحمان و بافکر، سردار، شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات غنایی، پژوهشنامه ادب غنایی، سال چهاردهم، شماره بیست و شش، صص ۱۸۲-۲۰۲، دانشگاه سیستان، بهار و تابستان ۱۳۹۵ش.
- ۱۵- مهدی‌نژاد، امید و سیّار، محمد مهدی، داداخواست (۱۰۰ شعر اعتراض)، مشهد: انتشارات سپیده باوران، چاپ پنجم، ۱۳۹۱ش.